



اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، ابرکوه، ایران، اردیبهشت ۱۳۹۱

سهم کودکان از شهرسازی پایدار با تأکید بر طراحی مراکز محله

حسین حاتمی ابرقوئی^۱، رحیمه عظیمی ابرقوئی^۲، لیلا حاتمی ابرقوئی^۳

۴ کارشناس ارشد مهندسی معماری و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی ابرکوه

۴ کارشناس پرستاری و عضو شرکت مهندسی بوم نقش کویر

۴ کارشناس برنامه ریزی شهری و کارشناس اداره تعاون، کار، رفاه و امور اجتماعی ابرکوه

hoseinhatami@yahoo.com

چکیده

کودکان ساکنانی از بافت و محله هستند که برای دستیابی به توسعه ای پایدار، باید حضور و زندگی آنان مورد توجه قرار گیرد. کالبد بافتهای تاریخی هر چند مستقیماً به این مسئله نپرداخته است ولی فضاهای موجود در آن تا حدودی پاسخگوی این میهمانان کوچک خویش بوده است. این مسئله در بافتهای تاریخی نیازمند تقویت و در بافتهای معاصر که ویژگیهای خاص آن باعث شده است ناهماهنگی بیشتری در آن حس شود، نیازمند بازنگری و توجه ویژه می باشد. بهم ریختگی بصری و فقدان کالبد مناسب در بافتها سلامت روانی و اجتماعی کودکان را که تشکیل دهنده نسل آینده جامعه هستند به خطر می اندازد. در این مقاله ضمن بررسی اجمالی وضعیت برخی کشورها، سعی شده است ضمن بررسی نقاط ضعف بافتهای موجود، به راهکارهایی برای غنی سازی بافت در این مقوله دست یافت. در این مسیر، گسترش نهادهای اجتماعی و فرهنگی، استفاده از تجربه های دیگر کشورها، اصلاح وضعیت محله های شهری، ایجاد فضاهای فرهنگی، بازی و فضای سبز از جمله مواردیست که می تواند نقش آفرین باشد. لازم به ذکر است با توجه به اینکه بیشتر بافتهای فرسوده و تاریخی شهرهای کشور ما نقاط ضعف زیادی در راستای تأمین نیازهای کودکان دارند و اصولاً فضاهای شهری مناسبی برای آنان خلق نکرده اند و امروزه در اکثر موارد بحث ساماندهی، بازسازی و احیاء آنها مطرح می باشد، توجه دادن مدیران، برنامه ریزان شهری و طراحان به این امر و ایجاد ذهنیت مثبت در رابطه با اهمیت فوق العاده نیازهای روحی و فکری کودکان، می تواند بعنوان گام نخست برای حل مشکلات تلقی گردد.

کلمات کلیدی: فضاهای شهری، بافت محله، کودک، فضای بازی



اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، ابرکوه، ایران، اردیبهشت ۱۳۹۱

۱. مقدمه

توجه به کودکان و نیازهای اجتماعی آنان در بافت شهرها و محله‌ها یکی از مهمترین مسائل پیش روی جامعه امروز می باشد. این مسئله با تغییرات گسترده ای که در جریانات قرن بیستم و جنبشهای فکری مربوط به آن و گسترش پدیده شهرنشینی و زندگی کلانشهری روی داد باعث شد که کودکان از زندگی طبیعی خود فاصله گرفته و در چهارچوب محدودیتهایی که اینگونه زندگیها برایشان رقم زده است رشد و نمو کنند. هرچند عوامل ارثی در رشد افراد بسیار تعیین کننده هستند و چگونگی رشد متأثر از این عوامل است ولی نمی توان محیط و اثر گذارهای آن را در این زمینه نادیده انگاشت. در صورتی که شرایط محیط برای تامین نیازهای اساسی کودک مساعد نیست امکانات ارثی مجال رشد و پرورش پیدا نمی کنند. غذا، فعالیت، استراحت، فرصت های یادگیری، احساس امنیت و آسایش خاطر در طرح و زمینه رشد کودکان تاثیر می گذارند و این وظیفه ساختار شهر امروزیست که باید این توانمندیهای وراثتی و استعدادهای کودکان را شکوفا سازد.

لازم به توضیح نیست که دنیا را بزرگسالان اداره می کنند و این برنامه ریزان هستند که در مورد فعالیتها و محل انجام آنها در سطح شهر تصمیم گیری می کنند. ولی آیا مدیران و برنامه ریزان شهری، به حد کافی به اهمیت و ضرورت توجه به کودکان، مسائل و نیازهای آنان پی برده اند؟ شهری که به کودکان خود توجه نکند، نیازهایشان را در نظر نگیرد و مشکلات آنان را نشناسد، نسل آینده خود، و در نتیجه آینده حیات خود را به مخاطره انداخته است. بی تردید کودکی که از امکان تحصیل، بازی و تغذیه مناسب بی بهره بماند، در آینده به جای کمک به حل مشکلات شهر، خود به مشکلی برای شهر و شهرنشینان تبدیل خواهند شد. شهرهای امروز برای مردان ساخته می شوند. مفهوم برابری در شهر، معطوف به طبقات اجتماعی، درآمدی و سطح زندگی است و نه تنها کودکان که زنان و سالمندان نیز در این میان جایی ندارند. استفاده از تجارب موفق در طراحی شهرها و محله های دوستدار کودک و توجه دادن طراحان، مسئولان و برنامه ریزان شهری به سهم کودکان از فضاهای شهری و اجتماعی از مهمترین ضروریات دستیابی به توسعه پایدار در محله ها و بافتهای شهری می باشد.

۲. حقوق کودکان در قوانین جهانی و قوانین ایران

۱.۲. کودک کیست؟

اعلامیه جهانی حقوق کودک، در ماده یک خود کودک را کسی می داند که کمتر از هجده سال تمام دارد، مگر آنکه قوانین داخلی کشوری، سن دیگری را مشخص کرده باشد. طبق تعریف قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، کودک کسی است که بالغ نشده است. همین قانون، سن بلوغ را برای پسران پانزده سال تمام و برای دختران، نه سال تمام تعیین کرده است.^۱

۲.۲. اعلامیه جهانی حقوق کودک

در سال ۱۹۸۹ میلادی نمایندگان کشورهای جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پیمان حقوق کودک را تایید و امضا نمودند و متعهد شدند تا برای تصویب و اجرای آن در کشورهای خود تلاش نمایند. این عهدنامه که به نام کنوانسیون حقوق کودک (The Convention on the Rights of the Child) معروف است، یک مقدمه و ۵۴ ماده دارد و همه دولت ها و مردم جهان را به ساختن دنیایی بهتر برای کودکان تشویق می کند. در تاریخ اول اسفند ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی ملحق شدن جمهوری اسلامی به این کنوانسیون را تصویب کرده است. اعلامیه جهانی حقوق کودک به عنوان یک لایحه حقوق بشر برای کودکان شناخته می شود و طیف گسترده ای از حقوق اساسی کودکان را تضمین می کند. طبق مواد این اعلامیه، کشورهای تصویب کننده آن در قبال اقدامات خود در مورد کودکان پاسخگو خواهند بود. علی رغم تصویب قوانین متعدد حمایت از کودکان و تعمیم مصوبات و کنوانسیون های بین المللی به کشور، هنوز به حد کافی و ضرورت، مسائل و دشواری های کودکان در برنامه ها و طراحی های شهری کشور لحاظ نشده است. در کلان شهرهای ما، زندگی و تفریح کودکان، با وجود محدودیت ها، در خانواده خلاصه می شود. دسترسی به محیط طبیعی و پاک، با دشواری هایی همراه است. در محیط شهر و اجتماع نیز به دلایل مختلف، مانند عدم ایمنی، وجود نداشتن فضا و امکانات کافی و مناسب و... حضور مستقل کودکان و حتی تفریح آنان به حد کفایت میسر نیست.

۳.۲. صندوق بین المللی فوق العاده ملل متحد برای کودکان (UNICEF)

این نهاد بین المللی (United Nations International Children's Emergency Fund) در دسامبر سال ۱۹۴۶ تاسیس شده است و زیر نظر شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد فعالیت می کند. هدف عمده تاسیس این صندوق، مراقبت بهداشتی از کودکان جهان و اجرای برنامه های رفاهی برای آنان بوده است.

^۱ - قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، تبصره یک، ماده ۱۲۱۰، مصوب ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی



اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، ابرکوه، ایران، اردیبهشت ۱۳۹۱

۲.۴. ضرورت توجه به کودک در برنامه ریزی شهری

بی گمان محور اصلی توسعه در جامعه انسان است و امروزه همه تجربیات موجود در سطح ملی و بین المللی گواه بر این مسئله می باشند. زمانی برنامه های توسعه در یک کشور با موفقیت و پایداری همراه خواهد بود که جایگاه انسان به عنوان محور توسعه پایدار به صورت علمی در برنامه های جاری مورد توجه قرار گیرد. تأکید بر کودک، خانواده، جامعه و سازمانهای محلی موجبات تأکید بر برنامه های توانمند سازی را فراهم نموده، همچنین سبب می شود تا هیچ قشری از افراد جامعه که به نوعی در توسعه دخیل هستند از قلم نیافتند. در این زمینه، دو دیدگاه عمده مطرح است. دیدگاه نخست از برنامه ریزی برای شهر در حالت کلی دفاع می کند و معتقد است که وقتی ما شهر خوبی داشته باشیم، این شهر برای همه خوب خواهد بود و بنابراین، دلیلی ندارد که موضوع های گوناگون همچون شهر مناسب برای معلولان، زنان و یا کودکان مطرح کنیم. این در حالی است که دیدگاه دیگر می گوید به دو دلیل عمده، لازم است که این موضوعات به ویژه در مورد کودکان مورد بررسی قرار گیرند اول اینکه کودکان نیازهای خاص و متفاوتی دارند و در عین حال از گروه های سنی دیگر حساس تر نیز هستند و دلیل دوم، نیازهای مشترکی است که کودکان جامعه دارند. از این رو، می توان در باب "شهر دوستدار کودک" همچون یک آرمان به گفتگو پرداخت که البته در این گفتگو، توجه به مبانی حقوقی چنین سیاستهایی از اهمیت خاصی برخوردار است. تا به حال، دو کنوانسیون در زمینه حقوق کودک مطرح شده و همانطور که ذکر شد یکی از آنها به تصویب جمهوری اسلامی رسیده است. این به معنای آن است که ایران باید مثل قوانین داخلی دیگر خود، از این کنوانسیون نیز پیروی کند. در ماده ۳۱ این معاهده، حق بازی و فراغت برای کودکان به رسمیت شناخته شده است [10].

۳. شرایط کودکان در کشورهای جهان و در ایران

در این بخش مروری بر مسایل رفاهی و قوانین مربوط به کودک و حقوق کودک در شهر، در کشورهای جهان در سه سطح توسعه یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه یافته بررسی می شود.

۱.۳. بریتانیا

در بریتانیا کودک کسی است که کمتر از شانزده سال تمام داشته باشد. هر کودک ماهانه مبلغی را از دولت دریافت می کند، آموزش برای او رایگان و اجباری است و حق استفاده رایگان از خدمات بهداشتی، پزشکی و حتی بیمارستانی را دارد. برای گذران اوقات فراغت، علاوه بر مدرسه، در هر محله مراکز آموزشی متنوع و متفرقه از سوی شهرداری ایجاد شده است. درون هر محله، کتابخانه، فضای ورزشی، محل پیاده روی و فضای سبز در نظر گرفته شده است. همچنین سازمان هایی در سطح محله از سوی شهرداری کلان شهر ها تأسیس شده، که در زمینه های مختلفی فعالیت می کنند. مانند انجمن های محلی ورزشی، آموزشی، خانه داری و غیره.

۲.۳. آلمان

در آلمان افراد کمتر از هجده سال کودک به شمار می آیند. ایجاد و ارائه خدماتی مانند مهد کودک، فضای بازی، پارک و تاسیسات تفریحی دیگر، بر عهده شهرداری ها است. هزینه ارائه این خدمات به صورت عوارض از شهروندان دریافت می شود [13].

۳.۳. کانادا

در کانادا مدیریت شهری به واسطه شوراهای محله ای و شهری و ناحیه ای صورت می گیرد. این شوراها بر امور مختلف مربوط به مردم نظارت می کنند. کودکان تا سن هجده سالگی از کمک های ماهانه تامین اجتماعی بهره مند هستند. در هر محله، مهد کودک و کودکانستان معمولاً در مرکز محله ایجاد می شود. در بیشتر ایالت های این کشور، وزارتخانه و یا سازمانی به عنوان وزارت کودکان و خانواده ها وجود دارد [9].

۴.۳. هندوستان

جمعیت شهرنشین در هند بین سال های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ حدود ۳۱ درصد رشد داشته است و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۲۵ جمعیت شهرنشین این کشور به رقم ۶۶۰ میلیون نفر برسد. در شهرهای هند، نهاد های محلی بر شرایط بهداشتی و آموزشی کودکان نظارت می کنند. جمعیت حاشیه نشین و کم درآمد در شهر های بزرگ، سهم بالایی را تشکیل می دهد، این موضوع موجب می شود که تراکم جمعیتی در خانوار و در سطح محله بسیار بالا باشد. با این همه، آموزش برای کودکان تا پایان دوره ابتدایی رایگان می باشد. وضعیت نابسامان اقتصادی خانوارها موجب می شود کودکان در سنین پایین مجبور به کار و کسب درآمد باشند، این موضوع در سال های اخیر توجه دولت فدرال و فعالان حقوق کودک در سطح جهانی را برانگیخته است [8].

۵.۳. مصر

در سال ۱۹۹۸ حدود ۴۵ درصد مردم مصر ساکن شهرها بوده اند و رشد شهرنشینی در این کشور در حدود ۲.۱ درصد تخمین زده می شود. قاهره،



اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، ابرکوه، ایران، اردیبهشت ۱۳۹۱

پایتخت مصر، با ۱۰۵ میلیون نفر جمعیت بزرگ ترین شهر افریقا است. حدود سه چهارم از کودکان زیر پنج سال در قاهره، در محله های با تراکم بالا و یا حاشیه شهر زندگی می کنند. سطح بهداشت کودکان در بسیاری از این محله ها پایین ارزیابی شده است. در بسیاری از محله های حاشیه ای در قاهره، زندگی روستایی جریان دارد. در مصر، اولویت نخست دولت در قبال کودکان شهری، ارتقا سطح سلامت و بهداشت و تامین نیازهای اولیه مانند آب سالم می باشد. به تبع این کمبودها، سطح آموزش و توجه به تفریح در این کشور بسیار پایین خواهد بود.

۶.۳. ترکیه

در ترکیه مراکزی جهت حمایت از کودکان کار و خیابان دایر گردیده است بطور مثال در استانبول فرزندان خانواده های کم درآمد می توانند در تمام مدت روز در این مراکز حضور داشته باشند و از تغذیه مناسب و امکانات مختلف آموزشی برخوردار شوند اما در عوض این اختصار نیز به خانواده ها داده شده که اگر بچه های آنان در خیابان دیده شوند از همه امکانات محروم خواهند شد.

۷.۳. شرایط کودک در ایران

همانطور که گفته شد طبق قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، پسران کمتر از ۱۵ سال و دختران کمتر از ۹ سال کودک شناخته می شوند. طبق اصل سی ام قانون اساسی دولت موظف است برای همگان تا پایان دوره متوسطه شرایط و لوازم آموزش و پرورش رایگان را مهیا کند. و طبق قانون کار، به کار گماشتن کودکان کمتر از پانزده سال، ممنوع است. در کلان شهرهای ایران، حقوق کودکان دچار نقص های بسیاری در زمینه اجرایی است. نمونه های بسیاری در سطح شهر ها قابل مشاهده است: دستفروشی، تکدی گری، بزه کاری و... به لحاظ تاسیسات و تسهیلات اجتماعی نیز کودکان همانند سایر اقشار جامعه دچار کمبودهایی هستند. اشکال در مکان یابی مهد کودک و کودکستان ها و همچنین دستان ها، تفاوت های عمده میان ظاهر و امکانات مدارس در نواحی مختلف، فقدان امکانات تفریحی کافی در سطح شهر و محلات، استاندارد و ایمن نبودن فضاهای موجود، عدم امنیت کافی در سطح معابر عمومی و آلودگی های دیداری و شنیداری برای کودکان بخشی از مشکلات موجود در همه کلان شهر های ایران هستند. عدم وجود مؤسسات و فضاهای مرتبط با کودک در سطح شهر بویژه مراکز مختلف نگهداری از کودک، از دیگر نواقص شهرسازی در ایران به شمار می رود. به عنوان نمونه، ما هنوز در هیچ یک از شهرهایمان "خانه اسباب بازی" نداریم. این مرکز مهم که معمولاً در یک شهر دوستدار کودک باید وجود داشته باشد، جایی است که در آن، بچه هایی که در خانه های کوچک فضای کافی برای بازی ندارند می توانند بیایند و به صورت رایگان از امکانات این فضا برای بازی و تفریح استفاده کنند. در کشورهای پیشرفته، علاوه بر این مرکز، حتی در بسیاری از مکان های فروش اسباب بازی، قسمتی وجود دارد که در آن کودکان بتوانند به صورت رایگان به بازی مشغول شوند. علاوه بر این، مرکز دیگری که جای خالی آن در همین رابطه در شهرهای ما دیده می شود، خانه انجام تکالیف و قرائت بچه هاست که در بیشتر جاها "خانه مشق" نام دارد. در عین حال، از جمله دیگر نهادهای نگهداری از کودکان موجود در شهرهای دوستدار کودک، مراکز حمایت از کودکان کار و خیابان است.

۴. کودک و مسائل شهرسازی

کودکان در خانواده، مدرسه و فضای عمومی رشد کرده و پرورش می یابند. فضای عمومی شهر باید پاسخگوی نیاز کودکان باشد. فضایی برای اوقات فراغت مانند زمین های بازی، فضایی برای فعالیت پرورشی و فرهنگی مانند کتابخانه مخصوص کودکان و فرهنگسراهای ویژه آنان و فضایی برای دسترسی به محیط طبیعی مانند فضای سبز شهری و خارج شهری. بررسی نیازهای کودکان در شهر، نیازمند آشنایی با روان شناسی کودک، و آشنایی با فیزیولوژی و شرایط بدنی آنان است. در عین حال بهترین تضمین برای در نظر گرفتن همه این مسائل، استفاده از نظرات خود کودکان است [۳].

۱.۴. محله دوستدار کودک

در رویکرد جدید جهانی، بقاء، رشد و نمو و بالندگی کودک خردسال به عنوان عواملی که متقابلاً به هم وابسته اند در نظر گرفته می شود، این دیدگاه شامل برنامه های چند وجهی تربیتی و مکمل برای بهبود وضعیت کودک در دوره خردسالی است. در عین حال از تکامل شخصیت عاطفی و اجتماعی کودک خردسال و توانایی یادگیری به هنگام وی پشتیبانی می کند، بر حمایت از خانواده ها و مراقبانی که از خردسالان موظبیت می کنند تأکید دارد و به برنامه های هماهنگ و ارزش یابی منظم تأکید می کند. این رویکرد از طرفی به شواهد علمی تکیه دارد که ثابت می کند بقاء، رشد و نمو و بالندگی کودک خردسال با حمایت های ناپیوسته و برنامه های نامنظم، قابل دسترسی و مداوم نیست، از طرف دیگر بر اساس این اصل بنا شده است که کودکان دارای حقوق به هم پیوسته و غیر قابل تفکیکی هستند که به صورت ذاتی با شأن انسانی شان مرتبط است. بنابراین نادیده گرفتن بخشی از حقوق مذکور بدون در نظر گرفتن سایر حقوق امکان پذیر نیست. در جهان شهر داریها تجربه ایجاد شهرهای دوستدار کودک را از نظر ساختارهای شهری متناسب با وضعیت کودکان دارند. مسئولیت نگاه همه جانبه به کودکان مانند قطعات یک پازل است که متولی یا مسئول هر بخش در وزارتخانه ها و ادارات مختلف



اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، ابرکوه، ایران، اردیبهشت ۱۳۹۱

هستند [۱۴]. در همین راستا یکی از برنامه هایی که اخیراً در تهران و توسط شهرداری دنبال می شود طرح محله دوستدار کودک است که بطور خلاصه می توان آنرا به شرح زیر معرفی کرد:

۱. مبتنی بر جامعه است.
۲. کودک محور است.
۳. رویکرد پایین به بالا دارد.
۴. نگاه همه جانبه به تمامی کودکان دارد.
۵. مراقب است تا هیچ کودکی از دریافت خدمات اولیه و اساسی محروم نشود.
۶. دارای سیستم خدمات یکپارچه می باشد تا بر مشکلاتی که برای مقابله با آنان در سطح محلی و ملی برنامه مشخصی وجود ندارد، فائق آید.
۷. برای توانمندسازی مادران، خانواده، محله و جامعه تلاش می کند تا نیازهای اساسی کودکان که بعضاً مورد غفلت قرار می گیرد، به خصوص در گروه های آسیب پذیر، مورد توجه قرار گیرند.
۸. فضای مناسب همکاری و همفکری را برای کلیه ذی نفعان برنامه اعم از شهرداری ها، شوراهای محله، مراکز دولتی، مراکز پژوهشی و سازمان های بین المللی فراهم می سازد تا نسلی پویا و کارآمد بوجود آید.
۹. خود را ملزم به رعایت حقوق کودکان، بخصوص حق مشارکت کودکان، می داند.
۱۰. کودک در معرض خطر شناسایی و به ارگان مسئول بر اساس مشکل ارجاع داده شود.

۲.۴. آموزش مفاهیم شهروندی به کودکان

روان شناسان می گویند زندگی در حقیقت فرآیند یادگیری است. این فرآیند از تولد تا لحظه مرگ ادامه دارد. یادگیری عبارت است از پدایش تغییر نسبتاً ثابت در رفتار. امروزه در جوامع پیشرفته، حقوق و وظایف شهروندی از اولین اموری است که برای کودکان تبیین و تدریس می شود. روش های مختلفی برای این منظور پیشنهاد شده است. در بسیاری موارد، آموزش ها به صورت عملی و کارکردی است. تشکیل گروه های کاری و هنری، انجام و تمرین فعالیت های دسته جمعی، دخالت دادن نظر کودکان در تصمیم گیری های مرتبط با آنها و بحث مشارکت، فعالیت های اجتماعی و توجه به نقش کودکان و نوجوانان در اداره امور از آن جمله اند. در ایران، به تازگی در برخی شهرها تجربه های نوینی اجرا شده اند. برای مثال طرح شهردار مدرسه یکی از این تجربه هاست که از سال ۱۳۷۹ در اهواز اجرا می شود. شهردار مدرسه بخشی از ساختار شهرداری است که دانش آموزان در آن با وظایف شهردار، نحوه مکاتبه ها در سیستم اداری، وظایف نهادهای اجتماعی و خدماتی، برقراری ارتباط با سایر شهرداران مدارس، ارتباط مستمر با مجریان طرح، برگزاری جلسات با معاونان و اعضای شورای مدرسه و نظارت معاونت ها و نظایر آن آشنا می شوند. انتخابات در شرایط آزاد برگزار می شود و هر دانش آموزی می تواند کاندیدا شود. پس از برگزاری انتخابات ۱۲ نفر برگزیده می شوند که ۷ نفر مجموعه شهردار و معاونان او هستند و ۵ نفر اعضای شورای مدرسه. مدرسه و شعاع ۵۰۰ متری آن یک واحد شهری به شمار می آید و در حیطه اقتدار شهردار مدرسه است. شهرداری های مناطق هشت گانه اهواز موظف هستند با شهرداران مدرسه در برگزاری برنامه ها و جشن ها همکاری کنند. از دستاوردهای این طرح، تمرین فرهنگ شهروندی و پدید آمدن حس مشارکت جویی میان دانش آموزان در مورد مسائلی همچون ترافیک، بهداشت و محیط زیست، فضای سبز و ایمنی است [۵]

۳.۴. فضاهای شهری مناسب برای کودکان

فضای عمومی شهر برای کودکان را می توان به صورت های مختلفی در نظر گرفت؛ فضای عمومی شهر و محله، مدرسه، خیابان ها و معابر عمومی، پارک ها، سینما، کتابخانه، فضای ورزشی و مانند آنها از آن جمله اند. فضای عمومی شهر در کنار خانه با کودک در تماس است و بخش مهمی از آموزش و پرورش او را بر عهده دارد. در شهرسازی امروز، به لحاظ نظری هر محله با حوزه عملکردی مربوط به کودکان تعریف می شود. مرکز هر محله، یک دبستان است و علاوه بر آن خدمات دیگری مانند پارک محله ای، فضای ورزشی و زمین بازی کودکان نیز در نظر گرفته می شود. اما در عمل، در بیشتر موارد این نکات در برنامه ها مورد غفلت قرار می گیرند. اغلب فضاهای محله های شهری برای کودکان تعریف می شوند، اما کمتر مورد استقبال و استفاده کودکان قرار می گیرند. شاید مهم ترین ویژگی یک فضای عمومی مناسب برای کودکان، تامین امنیت فیزیکی و روانی کودکان و خانواده آنها باشد. [۱]. جین جیکوبز معتقد است مهم ترین علاقه کودکان در فضای شهری در ایمنی خیابان، تنوع کاربری ها، شادابی و سرزندگی شهر خلاصه می شود و با رفع این نگرانی کودکان، نگرانی های اصلی تمام جمعیت برطرف خواهد شد. امروزه مشخص شده است که کیفیت فضای کالبدی مختص کودکان، به لحاظ تراکم، اختفا، امکانات و تسهیلات مناسب و سایر مسایل مربوط به این فضاها به شناخت دقیق و کافی کودکان بستگی دارد. دانش روانشناسی کودک در این راه می تواند راهگشا باشد. کودک نخستین ارتباط اجتماعی خود را با مادر سپس پدر و بعدها با برادران و خواهران آغاز می کند. به تدریج که بر سن او افزوده می شود می تواند با کودکان دیگر رابطه اجتماعی برقرار کند. در مرحله نوجوانی فرد می کوشد بیش از دوران کودکی از والدین و خانه مستقل شود. ولی هنوز هم احساس می کند که استقلال کامل برای امکان ندارد. این دوره، دوران تشکیل گروه



اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، ابرکوه، ایران، اردیبهشت ۱۳۹۱

هاست. مانند گروه های هنری، ورزش، تفریحی و مانند آن. گاهی هم نوجوانان دسته های کوچکی برای هدف های خاص در مدرسه یا محله خود تشکیل می دهند. عضویت در گروه به فرد امکان می دهد که خود را با دیگران همانند و هماهنگ سازد و افکار و عقاید تازه ای بیاموزد [۲]. توجه به این نکات ساده برای برنامه ریزان و طراحان بسیار اهمیت دارد. فضاهای شهری باید آمادگی پرورش افکار و رفتار کودک و نوجوان را داشته باشند و بتوانند به نیازهای اساسی آنها پاسخگو باشند.

۴.۴. کودک و نیازهای اجتماعی

به طور کلی نیازهای کودکان در سه فضا قابلیت تحقق دارد: فضای خانوادگی، فضای آموزشی و فضای عمومی. فضای عمومی شهر برای کودک عموماً شامل فضای عمومی محله و شهر، فضای بازی و مراکز جمعی فرهنگی و پرورشی (کتابخانه کودک، فرهنگ سرای کودک و مراکز ورزشی) می گردد. فضاهای شهری همچنان که برای همگان در دسترس و مورد استفاده هستند، باید برای کودکان نیز قابل بهره برداری و درک باشند [۷]. منظور از رشد و تکامل اجتماعی این است که فرد بیاموزد در یک اجتماع یا فرهنگ زندگی کند، با دیگران همکاری کند و مسئولیت هایی را به عهده گیرد. اجتماعی شدن مستلزم آن است که شخص از برخی خواسته های خود صرف نظر کند و کارهایی را انجام دهد که خود نمی خواهد. بنابراین بسیار مهم است که به کودک قدرت بدهیم که با دیگران همکاری کند، بتواند آنچه را نمی داند از دیگران یاد بگیرد، بتواند ناکامی های زندگی اش را تحمل کند، برخی خواسته هایش را برای صلاح جامعه فراموش کند یا به تاخیر بیندازد، آداب و رسوم جامعه را رعایت کند و مسئولیت های اجتماعی را بر عهده بگیرد. از سوی دیگر هنگامی که خانواده نتواند نیازهای اساسی کودک خود را تامین نماید، مسئولان شهر موظف هستند از کودک حمایت کنند. نهاد های اجتماعی حمایت از کودکان (خیریه یا دولتی) یکی از نیازهای اساسی در شهرهای امروز هستند [۶].

۵.۴. کودک و اوقات فراغت

بهرترین روش یادگیری در سنین کودکی، بازی است. شیلر می گوید: کودک زمانی به راستی کودک است که بازی می کند. بنا به تاکید روان شناسان کودک، موثرترین بازی ها در سن پایین، بازی آزاد است. بازی بدون دخالت و قانون گذاری والدین، به صورت خودانگیزه و کاملاً دلخواه و معمولاً بدون هدف تعیین شده. فضای شهری باید پاسخگوی این نیاز کودکان باشد. فضای بازی کودکان، تنها بخشی از فضای مورد نیاز شهری برای آنان است [۴]. بر اساس ماده ۳۱ اعلامیه جهانی حقوق کودک، بازی و تفریح حق کودکان است. پس ضروری است امکانات و تسهیلات لازم برای فعالیت های تفریحی آنان فراهم شود. در بند ۲ همین ماده آمده است: ضروری است مسئولان شهری، فضاهای مناسب و متعددی برای بازی کودکان فراهم نمایند. این مکان ها بهتر است به محل سکونت کودکان نزدیک باشند.

۶.۴. فضای بازی کودکان

با گسترش روند شهرنشینی در سطح جهان و تولد کلان شهرها، تماس و آشنایی کودکان با طبیعت و محیط های طبیعی کاهش یافته و فرصت بازی کودکان و گذران اوقات فراغت آنان محدود به فضای شهری است. علاوه بر گسترش فیزیکی شهرها که منجر به دوری از طبیعت می گردد، نگرانی والدین از تامین امنیت کافی، شرکت دادن کودکان در کلاس های آموزشی فوق برنامه، بازی های رایانه ای و رسانه تلویزیون نیز در کاهش رابطه کودکان شهری امروز با محیط طبیعی نقش داشته اند. روان شناسان معتقدند در سنین کودکی، یادگیری از طریق بازی آزاد انجام می گیرد. برای بازی آزاد تعریف دقیق و مشخصی وجود ندارد، اما از ویژگی های آن می توان به عدم برنامه ریزی، غیر قابل پیش بینی بودن، اختیاری بودن و لذت بخش بودن اشاره کرد. برای مقابله با کمبود فضاهای بازی در شهرها در برخی کشورها راهبردهای خاصی در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال بر احیاء ارزش و مفهوم محله، آگاه سازی شهروندان از اهمیت فضاهای بازی کودکان، ایجاد فضاهای تفریحی چند منظوره و استفاده از ساکنان محله برای اداره و کنترل این فضاها تاکید می شود. از سوی دیگر شهرداری ها نیز در برنامه های اجرایی خود برخی نکات را در نظر می گیرند. مکان یابی پارک و فضای بازی برای کودکان در نزدیکی محل سکونت آنها با استفاده بهینه از عناصر طبیعی موجود مانند جنگل، رودخانه یا درختان کهن سال، ایمن سازی مسیر تردد کودکان و تاسیسات موجود در فضای بازی از جمله این نکات هستند. توجه همزمان و کافی به همه این جوانب منجر به پیدایش محله ای سالم و پایدار خواهد شد. در آلمان در این زمینه تجربه جالب توجهی وجود دارد. در برخی شهرها فضایی عمومی در نظر گرفته شده است که هدف از آن آرام سازی ترافیک و تغییر و تبدیل کاربری خیابان محلی به دسترسی محلی است. به این فضا، وونرف (Woonerf) یا «خیابان زندگی» می گویند. بدین ترتیب فضای شهری ایجاد می شود که برای انواع فعالیت های تجاری و اجتماعی و به ویژه بازی کودکان مناسب است. این فضاها اغلب به صورت خیابان باریک درختکاری شده ای هستند که سرعت وسایل نقلیه در آن حداکثر به ۱۶ کیلومتر بر ساعت (۱۰ مایل بر ساعت) می رسد. [13,12]

۷.۴. زمین بازی کودکان

در جوامع پیش از صنعتی، آموزش کودکان عمدتاً بر عهده نهادهای مذهبی و رهبران دینی قرار داشت و در این میان اهمیت پرورش روحی و عاطفی آنان همواره ناشناخته باقی مانده بود. هرچند به تدریج نگرش های جدیدی در این زمینه شکل می گرفت. در این سال ها اکثریت جمعیت ساکن روستاها بودند و کودکان در دل طبیعت و در تماس مستقیم با آن به تفریح و تجربه کردن می پرداختند و لزومی برای طراحی فضایی برای بازی آنان



اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، ابرکوه، ایران، اردیبهشت ۱۳۹۱

احساس نمی شد. در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی و در سال ۱۸۳۷ نخستین کودکستان توسط فردریک فروبل در شهر بلانکنبرگ آلمان با نام باغ کودکان (Kinder Garten) تاسیس گردید. فروبل معتقد بود باغ کودکان باید نمونه کوچکی از جهان واقعی، با همه ویژگی های مثبت و منفی آن باشد. ایده تاسیس باغ کودکان به سرعت در همه آلمان و سپس اروپا گسترش یافت. دیوید شاول اسکاتلندی نخستین دانشمندی بود که اهمیت در نظر گرفتن فضایی برای بازی کودکان را بیان نمود. شاول می گوید: زمین بازی کودکان بهشت است. در سال ۱۸۵۵ نخستین باغ کودکان در شهر واترتون در ایالت ویسکانسین توسط بانوی مهاجر آلمانی، کارل شورتز تاسیس گردید. اما به تدریج شکل و محتوای کودکستان های امریکا تحول یافت. کودکستان های مدرن امروزی در سال های دهه ۱۹۳۰ در امریکا بنیان گذاشته شده اند. پس از آن و به تدریج فضاهای تفریحی و سرگرمی ویژه کودکان نیز طراحی و اجرا شدند. اولین زمین بازی از پیش طراحی شده در سال ۱۸۶۲ و در حومه بستون در امریکا تاسیس شد. در این فضا، وسایل بازی کودکان از لوله های گالوانیزه ای ساخته شده بودند که کارایی چندانی نیز نداشتند. در انگلستان و در منچستر در سال ۱۹۱۱ زمین های بازی کودکان از سوی خود مردم به وجود آمده و سپس با قواعد و معیارهای شهرداری تطبیق یافتند. در پارک های اولیه منچستر زمین های بازی پسران و دختران جدا از یکدیگر بودند، زیرا تصور می شد در زمین های بازی مختلط، پسران فرصت بازی را از دختران می گیرند. در دهه ۱۹۲۰ فضاهایی از پارک های عمومی به بازی کودکان اختصاص یافت. در سال ۱۹۳۱، سورانسون، طراح دانمارکی پیشنهاد داد تا فضایی برای بازی کودکان با وسایل و مواد به ظاهر بی ارزش در نظر گرفته شود. این ایده در دهه ۱۹۴۰ منجر به شکل گیری «زمین های بازی ماجراجویی» گشت که این ایده در ۱۹۴۸ در کامبرول لندن اجرا گردید. با پیشرفت فناوری در قرن بیستم امکان ساخت فضاهایی برای مخاطبان در سنین مختلف پدید آمد. در بسیاری شهرهای بزرگ شهرک های ویژه بازی و سرگرمی کودکان به وجود آمد. به عنوان مثال در قاهره، نیویورک، هوستون در تگزاس و همچنین پاریس [11] در ایران و در سال ۱۲۹۸ شمسی در تهران و اصفهان کودکستان هایی تاسیس شد که عمدتاً از سوی مبلغان مذهبی اروپایی اداره می شدند. اولین کودکستان ایرانی در سال ۱۳۰۳ در تبریز و توسط جبار باغچه بان ایجاد شد. چندی بعد قمر دولت آبادی نیز در اصفهان چنین موسسه ای را برقرار نمود. اولین آیین نامه کودکستان ها در ایران در سال ۱۳۳۴ و در وزارت فرهنگ نوشته شد. در سال ۱۳۴۱ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تاسیس گردید. این کانون کودکان ۶ تا ۱۸ ساله را مخاطب خود قرار می دهد. اما به طور کلی باید در نظر داشت که بازی کودکان در یک محیط طبیعی کاملاً با بازی در یک محیط انسان ساخت متفاوت است. محیط طبیعی برای کودک تجربه حسی خاصی دارد. کودک در محیط طبیعی رها است. آزاد است بدود، فریاد بزند و ریخت و پاش کند. مسلم است که برای طراحی و برنامه ریزی یک فضای بازی برای کودکان، پیروی از فرهنگ حاکم در جامعه ضروری است. فرهنگ اجتماع همواره بر همه جوانب زندگی افراد آن جامعه و به تبع آن بر فضاهای زندگی آنها موثر خواهد بود. منظور از فرهنگ جامعه، تنها فرهنگ غالب و کلی مردم نیست، بلکه در بسیاری موارد، توجه ویژه به خرده فرهنگ ها و اقلیت ها تضمین کننده موفقیت یک فضای شهری می باشد. تنها با توجه به این نکات است که از یک فضای طراحی شده شهری می توان انتظار داشت به صورت ایده آل عمل نماید. برخی دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند توجه به فرهنگ در طراحی و برنامه ریزی، در حقیقت همان توجه به فرهنگ محلی زنان و کودکان است. زیرا در بیشتر جوامع این مادران هستند که تصمیم می گیرند خانواده و کودکانشان به چه مراکزی برای گذران اوقات فراغت بروند.

۸.۴. فضاهای بازی کودکان در ایران

در شهرسازی سنتی ایران فضایی مختص کودکان در شهرها پیش بینی نشده بود، کودکان در فضای خانه خود و محله می توانستند با همسالان خود بازی کنند و حتی در تماس مستقیم با طبیعت به تجربه هایی نو دست پیدا کنند. اما با ورود اندیشه تجدد گرایانه و از بین رفتن بافت سنتی شهرها و به ویژه پیدایش ساختمان های بلندمرتبه و محله های پرتراکم در شهرهای بزرگ کشور، کودکان و نیازهای مخصوص آنان مورد غفلت شهرسازان و مدیران شهری واقع شد به طوری که با وجود نفوذ عقاید و تفکرات شهرسازی نوین در اندیشه های برنامه ریزان و مسئولان شهری، اهمیت و جایگاه فضاهای شهری ویژه کودکان، از جمله فضاهای سرگرمی و تفریح آنان، هنوز به حد کافی مورد توجه قرار نگرفته است. زمین های بازی کودکان در ایران معمولاً در چند وسیله ساده بازی مانند الاکلنگ و سرسره و یا زمین های بازی خاکی در محله ها خلاصه می شود. از سوی دیگر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در حقیقت تنها نهاد فعال در زمینه فعالیت های فرهنگی و پرورشی مختص کودکان در کشور است. مهد کودک ها و کودکستان ها نیز نتوانسته اند به نقش و جایگاه اصلی خود برسند به طوری که می توان گفت مهد کودک ها و کودکستان های ایران (به ویژه در کلان شهرها) تنها وظیفه نگهداری از کودکان در ساعتهای کاری والدین آنها را بر عهده گرفته اند. حتی در شهرهایی که طراحی شهری در آنان در حد مقبولی انجام گرفته است نیز جایگاه کودکان مورد بی توجهی باقی مانده است، به طوری که احساس عدم امنیت در فضاهای شهری در نزد کودکان و به تبع آنان در نزد والدین همواره وجود داشته است. این موضوع سبب می گردد والدین کودک ترجیح بدهند فرزند آنان در خانه اوقات فراغت خود را بگذرانند و فرصت بازی در فضای باز و طبیعی را از دست بدهد. امری که منجر به محرومیت کودک از تجربه های نو، آشنایی با همسالان خود و برقراری روابط اجتماعی میان آنان می گردد. شاید بتوان گفت پیش از طراحی و ساخت فضاهای سرگرمی و تفریح کودکان، آماده سازی محله های شهری برای زندگی اجتماعی کودکان باید مورد توجه برنامه ریزان باشد. محله های شهری نباید محل عبور و مرور ترافیک باشند. کوچه های محله تنها



اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، ابرکوه، ایران، اردیبهشت ۱۳۹۱

باید نقش دسترسی محلی داشته باشند. سرعت وسایل نقلیه حداقل باشد و به لحاظ امنیت و آرامش در سطح مطلوبی قرار بگیرد. در گام دوم طراحی فضاهای محلی اهمیت دارند. فضاهایی که برای کودکان ملموس باشند. کودک باید بتواند با محله و شهر خود ارتباط برقرار کند و آن را بشناسد. طراحی فضاهای سبز، خیابان های زیبا، استفاده از رنگ های مناسب در محیط محله و شهر و حتی علائم و نمادهای شهری می تواند مورد توجه باشد. در گام سوم، طراحی و اجرای فضاهای شهری مناسب کودکان اهمیت دارد. پارک های محله ای، زمین های بازی و کتابخانه محله ای از نمونه های ساده و مهم چنین فضاهایی هستند. در سطح شهر نیز ایجاد شهربازی، پارک های وسیع، اردوگاه ها و مانند آنها برای بازی و سرگرمی کودکان و تأسیس موزه های ویژه کودکان، نمایشگاهها، سینمای کودک، و مانند آنها برای پرورش کودک دارای اهمیت هستند. در تمامی این فضاها باید اصول مشخصی را لحاظ کرد تا بتواند در کارکردهای خود موفقیت حاصل کنند. مهم ترین این اصول را می توان در امنیت، نزدیکی و قربانیت با طبیعت، تنوع، آسایش، سکوت و قابلیت نظارت خلاصه نمود.

۵. نتایج

به طور کلی مشکلات و مسایل مربوط به کودکان را نمی توان به طور جداگانه از سایر مسایل اجتماعی و شهری بررسی کرد و برای حل آنها راه حل ارائه داد. در سطح ملی، سیاستگذاری های کلان و جهت گیری عمده برنامه های بلند مدت و میان مدت و نیز برنامه های کوتاه مدت، باید با در نظر گرفتن نیازها و کمبود های کودکان انجام شوند. قوانین کشور باید هر چه بیشتر با قواعد جهانی حمایت از کودکان هماهنگ و منطبق شود. در عین حال باید به اجرای درست و دقیق این قوانین اهتمام ورزید. در نظر گرفتن فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها در جوامع مختلف و هماهنگی با آنها، می تواند تضمینی برای اجرای دقیق قوانین مرتبط با کودکان باشد. در سطح شهری، گسترش نهاد های اجتماعی و فرهنگی می تواند به عنوان یک راهکار میان مدت در نظر گرفته شود. استفاده از تجربه های سایر کشورها و کلان شهرهای جهان در این زمینه می تواند بسیار مفید واقع شود. اصلاح وضعیت محله های شهری برای در دسترس بودن آنها برای کودکان، ایجاد فرهنگسراهای ویژه کودکان، پارک ها و کتابخانه های محلی و مانند آنها نیز می تواند از برنامه های نهاد های مسئول در شهر برای رفع نیازها و کمبودهای کودکان در کلان شهرهای ایران باشد. در سال های اخیر در برخی شهرها، البته در سطحی محدود، فعالیت هایی در این زمینه دیده می شود. به عنوان مثال خانه کودک و نوجوان در اصفهان و یا کتابخانه کودک و نوجوان در پارک لاله تهران (که زیر نظر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعالیت می کند). به نظر می رسد تا زمانی که ذهنیت غالب مدیران و برنامه ریزان شهری متوجه اهمیت فوق العاده نیازهای روحی و فکری کودکان نباشد، نمی توان به آینده بهتری برای کودکان در برنامه های ملی و شهری امیدوار بود. گام نخست برای حل مشکلات موجود، توجه دادن برنامه ریزان به این امر مهم می باشد.

۶. مراجع

۱. ایزدپناه جهرمی، آ. کودک، بازی و شهر، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، ۱۳۸۳
۲. پارسا، م. روان شناسی رشد کودک و نوجوان، ۱۳۷۶
۳. دریسکل، د. ترجمه توکلی، مهرنوش و سعیدی رضوانی، نوید؛ ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و جوانان.
۴. شعاری نژاد، ع. روان شناسی عمومی، ۱۳۷۱
۵. شهرداری ها، شماره ۶۹، بهمن ۱۳۸۳
۶. شیعه، ا. آماده سازی شهر برای کودکان، موسسه نشر شهر، ۱۳۸۵
۷. قنبریان، م. کودک و شهرنشینی؛ انتشارات سازمان شهرداری ها، چاپ اول، ۱۳۸۳
8. Fry, Sarah; Cousins, Bill; Olivola, Ken; Health of Children Living in Urban Slums in Asia and the Near East: Review of Existing Literature and Data
9. Görlitz, Dietmar; Harloff, Hans Joachim; Valsiner, Jaan; Hinding, Barbara; Mey, Günter; Ritterfeld, Ute; chröder, Richard; The City as a Frame of Development for Children: The Herten Conference, 1992
10. Mohamed, Badaruddin; Planning for the Children of the Future The Case of Malaysia
11. Moore, Gary T.; Sugiyama, Takemi; O'Donnell, Louise; children's physical environments rating scale.
12. O'Brien, Catherine; Child – Friendly Transport Planning February 2004
13. Planning to protect children against hazards The website: <http://www.euro.who.int/eehc>
14. Children in the Compact City: Fairfield as a suburban case study, 2006